

داربست بردگی

نظام اجتماعی حاکم،  
این اختاپوس وحشت و دهشت،  
این داربست بردگی و رنج،  
این منشأ فلاکت انسان،  
در پنج قاره گیتی،  
نظام سرمایه ست.

راز حیات،  
در اندامواره بدخیم این نظام،  
جریان پرتلاطم سودیست،  
که از چشمه سار کار،  
از خون کارگران،  
از کار کارگران مزدی،  
در شریانهای آن جاریست.

هولناک دوزخ تفتی ست،  
این لعنتی نظام،  
با شعله هار شررسای جنگ،  
با دژخیم حاکمان جنگ افروز  
و بد سگال خدایان زور،  
که بر بام هر مناره ای،  
شیادوار، عربده صلح می کشند.

در این نظام،  
کار مجسم میلیاردها کارگر،  
در رشته توالی تاریخ،  
و سلسله بی گسست نسلها،  
که اینک  
به کارگاههای عظیم تولید  
و بازارهای داغ کالا،  
تبدیل گشته است.  
اعیانی "مقدس" سفاک مردمی ست،  
که صاحبان سرمایه اند.

منشور برقراری این ددمنش نظام،  
بر محور فلاکت ما توده های کار،  
تنظیم گشته است.  
ما این حقیقت بزرگ را،  
از دیر باز،  
با گوشت و پوست خویش،  
لمس کرده ایم.

ما سالهاست که:  
با عزم استوار،  
فرمان به پاره کردن این منشور داده ایم.

ما بارها این رأی قاطع خود را،

در سراسر جهان،

با عزمی آهنین،

تکرار کرده ایم.

این عزم ماست.

با انقلاب خویش،

گوری به ژرفی تاریخ،

حفر می کنیم،

و این بد کنش نظام را،

با نفرت تمام،

در آن دفن می کنیم.

م الف